

قضیه (مثلاً) برای این بنده که روانشناس و کودک‌شناس حرفه‌ای نیستم و صرفاً يك علاقه‌مند و پژوهنده هستم ، و يك چند سالی است که به‌طور نظری و عملی در معرض کار فیلم‌کودک قرار دارم) هنوز درست روشن نشده که فیلم بچه ، از نظر گاه آدم بزرگسال ، چه جور فیلمی باید باشد ؛ و تازه قضیه از دید آدم بزرگسال ، در هر دوره و سن و سالی فرق می‌کند . در این مورد خاص به نظر می‌رسد که فیلم‌کودک از نظر هر بزرگسالی «باید» آن چیزی باشد که آن آقا یا خانم بزرگسال در بچگی به‌عنوان فیلم خاص خود دیده و پسندیده است - البته اگر در بچگی این آدم فیلم خاص برای بچه وجود می‌داشته است .

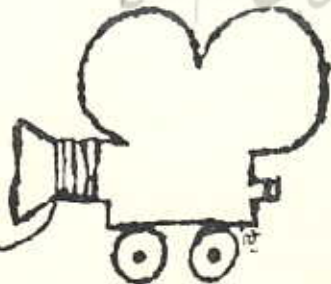
خیلی از فیلم‌هایی که دنیای بچه‌ها را ترسیم می‌کنند از لحاظ مطلعان و متخصصان مطرود است که : « این فیلم‌ها دربارهٔ بچه‌هاست نه برای بچه‌ها » .
به‌روی چشم !

پیام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



کودک فیلم را سالم و مفید و سازنده بدانند یا ندانند .
 در این مورد ، یعنی اگر بچه را به حال خودش
 رها کنند ، هر بزرگسالی در هر سن و سالی که
 باشد می تواند به راحتی حدس بزند که هر کودکی
 در هر سن و سالی ، دختر یا پسر ، به سوی چه فیلمهایی
 رو خواهد آورد . فیلم ایده آل پسر بچه های ۷ - ۸
 تا ۱۳ - ۱۴ ساله در حال حاضر از خارجی ها فیلمهای
 کاراته ای هنگ کنگی و از کارهای ایران تقریباً تمام
 فیلمهایی است که در آنها بیک ایمان وردی کت و شلوار
 گشاد می پوشد و با آن لحن و لهجه خاص حرف
 می زند . . . این فیلمهایی است که بچه ها دوست دارند
 ببینند . یعنی اگر بتوانند بزرگترها را قانع می کنند
 که با هم به دیدن این فیلمها بروند ، و اگر خودشان
 مجاز باشند که به تنهایی سینما بروند ؛ سر از این
 فیلمها در می آورند . . . این نوع فیلمها برای بچهها
 سالم و مفید و سازنده هست یا نه ، این مسأله ای است
 که باعث ایجاد زخم معده در روانشناسان کودک

خواهد شد !

یک نوع دیگر « فیلم بچه » هم هست که ظاهراً
 تنها مزیتی که بر فیلمهای خشن و کودک پسند دارد
 سالم بودن آنها به زعم سازندگان این فیلمهاست ،
 یعنی خشونت ندارد و در آن همه شاد و شیرین کامند
 و لبخند می زنند ، و در آنها تخریب از حد شیطننت
 در نمی گذرد . در ساختن این دسته از فیلمها و الت
 دیزنی و اولاده تخصص دارند ، و اوایل روی
 فیلمهای نقاشی متحرک بیشتر تکیه می کردند (که
 کودک پسند و بزرگ پسند بود) و حالا فیلمهای
 به اصطلاح زنده می سازند با قهرمانان بیشتر نوجوان
 که سازشی بین بچه و بزرگسال باشد و فیلمها هر دو
 دسته پسندند . در این فیلمها عنصر سازنده اصلی
 فانتزی - کمدی است : اتوموبیلی که اراده دارد ،
 اتوموبیلی که به هوا می رود ، جوانکی که مغزش
 تبدیل به مغز الکترونیکی می شود ، جوانکی که نا مرئی
 می شود ، میمونی که عین آدم بزرگها عقل و هوش

سپینهای کودک

مسئله فیلم برای کودک و دریاچه کودک

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

دارد. روانشناسان کودک قطعاً این قبیل فیلم‌ها را برای بچه‌ها سالم‌تر تشخیص می‌دهند. ولی از لحاظ يك بزرگسال این سلامت، سلامت آب مقطر است. بی‌بو و خاصیت، با خاصیتی شاید در حد آدامسی که وقتی طعمش از بین رفت باید به‌دور انداخت. فیلم‌هایی نیست که فکر بدهد، که باعث تجهیز فکری بشود، که به‌ستیز بطلبد، که بچه‌ها در محدوده دنیای خودش به‌فعالیت ذوقی و فکری وادارد. صرفاً سرگرم می‌کند، گیرم در سطحی جدا از فیلم‌های پر زرد و خورد که زمانی دزد سرخ پوش و مشعل و کمان بود و فیلم‌های سریال و بعدها و سترن ایتالیایی و حالا فیلم‌های کاراته‌ای.

مسئله بدآموزی در فیلم‌ها هم خودش مسأله‌ای است که لاینحل باقی مانده:

ایراد می‌گیرند که فلان بچه با دیدن فیلم هنگ‌کنگی بالگد زده و همبازش را کشته. خیلی از بچه‌ها پیش از ظهور فیلم هنگ‌کنگی به‌هم لگد می‌زدند که گاهی منجر به جراحات شدید می‌شد. قبلاً فیلم‌های شمشیربازی بود و هفت‌تیر بود. با هفت‌تیر بچه‌گانه البته نمی‌شد آدم کشت ولی با سیخ کباب می‌شد چشم را کور کرد. اگر فیلم‌های شمشیربازی هم نبود، سنگ و تیر و کمان که بود که بالاخره از صدا تا سنگی که در هر دقیقه از تیر و کمان هزاران بچه در سراسر يك میلیون و چهارصد و پنجاه هزار کیلومتر خاک این مملکت رها می‌شد دو سه تایش به‌سر و کله و چشم همبازی‌ها بخورد.

پس بچه بالاخره راهی برای خالی کردن شور و شر معلول رشد جسمی خود خواهد یافت، خواه سرمشق سینمایی داشته باشد یا نداشته باشد (بچه‌ای که ندود و سنگ نپراند و در عمرش زمین نخورده و سر نشکسته و شیشه نشکسته باشد بچه قابل ترحمی است!)

گفته‌اند هر کس که به‌مدت زیاد در برابر تجلیات شدید خشونت قرار گیرد احساسات خشونت آمیز در وجودش بیدار خواهد شد. فیلم سریال‌های قدیم پراز خشونت بود، و سترن‌ها خشن بود و کاراته‌ای‌ها از همه خشن‌تر است. منتها می‌بینیم که خوشبختانه «دکتر شیطان»، «رینگو طپانچه طلائی» و «یانگ‌فوی پنجه طلائی» خیلی کم در اجتماع به‌منصه ظهور رسیده است. علتش آن است که بچه در صورتی که فیلم را تقلید کند، در سطح و با لوازم خودش، با دخالت عمده تخیل خودش آنرا پیاده می‌کند. و به‌رحال واقعیت همه‌جا حضور دارد: کافی است آدم به‌تقلید از قهرمان کاراته يك بار مشت را به‌جزز اولین دیوار سر راه



صفحه مقابل بوستر فیلم سفید و سیاه از کیا رستمی

بگوید تا برای همیشه این تجربه را کنار بگذارد و بهش التواء شود که خیر قضیه فیلم دیگری است و آن آدم‌ها از جنس دیگری هستند و آقا کوچولو باید از این به بعد فقط به ژست کاراته اکتفا کند که مثلاً حریف خورد و افتاد و کله معلق شد... این «مثلاً» در ذهن بچه یک جور ماشین خودکار تعدیل و انطباق فانتزی سینما با واقعیت خارج از سینماست. در مورد فیلم‌های دیگری که برای بچه‌ها دیدنش خطرناک تشخیص داده می‌شود، مخصوصاً فیلم‌های از نظر جنسی بی‌پرده، به قول آن فیلمساز ایتالیائی، چون این مسائل با دنیا و امکانات بچه به کلی فاصله دارد و در واقع برای بچه تکرار فیزیکی این نوع تجارب میسر نیست به احتمال زیاد برای بچه به صورت یک مسأله دور از ذهن و بی‌تفاوت باقی می‌ماند.

مؤثرترین وسیله بیان تصویری در زندگی بچه امروز تلویزیون است که نه فقط محتوا که فرم «نمایش» را برای کودک زمان ما زیر تأثیر خود درآورده است. خانگی بودن تلویزیون قهراً یک

مقدار از برنامه‌هایی را هم که خاص بچه‌ها نیست به نظر آنها می‌رساند، جاذبه تصویر متحرک بچه‌ها حتی در مقابل فیلم مستند خبری هم بی‌حرکت می‌نشانند. این خود در فانتزی بافی کودک دخالت می‌کند. فانتزی کودک امروز که خبر جنگ‌های منطقه‌ای را هر روز در تصاویر مرگ و خشونت پیش چشم می‌بیند دیگر نمیتواند صرفاً فانتزی گل و بلبل و جن و پری وار گذشته باشد. ریتم سریع فیلم‌های تلویزیونی و شیوه بیان ساده، صریح، مستقیم و در بیشتر موارد در پرتازی فیلم‌های تلویزیونی بچه‌ها به نوعی از نمایش عادت می‌دهد که در آن دیگر ریتم کند و پرداخت با تعمق جایی ندارد. تلویزیون با عنصر تکاپو که اولین عنصر مورد توجه کودک در نمایش است تطابق نزدیک دارد. فیلم کودک، برای آن که با کودک ارتباط پیدا کند ناگزیر به یک مقدار سازش با این شیوه بیان است.

فیلم کودک برای آن که کودک را به دنبال بکشد نمی‌تواند خیلی زیاد پیشاپیش او بدود. باید جلوی کودک نقل و نبات بیاشد و مثل قصه «حیدر تنبل»، از یک سبب به سبب دیگر او را به سوی هدفی که می‌خواهد راهبر شود. آموزش توأم با تفریح یکی از حساس‌ترین مسائل است که در اغلب فیلم‌ها بخاطر آن که به وجه طبیعی، منطقی و (مخصوصاً در قالب هنر خاص سینما) به صورتی سینمایی درهم آمیخته نشود ثمرات خوبی به دست نمی‌دهد. فیلم در عین حفظ ارتباط با دنیای ذهنی کودک که بر آن یک جور منطقی سورتالیستی وار، یک جور منطقی تداعی ماخوذ از «واقعیت - خیال» حکم فرماست باید همیشه در تماس نزدیک با ملموسات حرکت کند. بچه امروز مثل بچه تمام زمان‌ها فانتزی را به شکل غنائی قصه‌ای خودش دارد ولی ذهن او قهراً بیدارتر و پربارتر از کودک دیروز است که ارتباطش با دنیای اطراف بسیار محدودتر بود. برای کودک دیروز

مگانه علوم انسانی
پرتال جامع علوم



قهرمان محبوبش تارزان درسزمین ناشناخته آفریقا بین سیاهان آدمخوار تکاپو می کرد. تارزان امروز درسزمین آشنای افریقا به عملیات می پردازد، سیاهان دیگر آدمخوار نیستند، رؤسای ممالکشان را باکت و شلواری درخبرهای تلویزیون می بینیم که با کارد و چنگال غذا می خورند.

این هم باز يك شاخه قابل اکتشاف از مسأله است که آیا فیلم کودک را نباید خود کودک بسازد؟ آیا دنیای کودک را نباید کودک با دوربین پایه کوتاه، در ارتفاع دید خودش نشان بدهد، با محیطی که در آن بازی می کند، با آن کوچه ها، محله ها، بازی هائی را که در آن محله ها می کند (که الان دیگر بزرگترها نمی شناسند) و با همبازی هائی که در این بازی ها یار او هستند؟

این کار درسزمین ما شروع شده و درموردی نتایج استثنائی خارق العاده بروز داده است، اما هنوز چنین فعالیتی به صورت راه حل قطعی و نهائی، دور از دسترس به نظر می رسد.

پس فیلم های اصلی کودکان را، خوراک بازار سینمائی کودک را، هم چنان بزرگترها خواهند ساخت که حسابگرند و روانشناس کودک دارند و امکان دارند و سرمایه دارند و وسیله پخش فیلم دارند و سینما می سازند و تکسین دارند. در این میان متأسفانه فیلم هائی که از بطن نیازهای ذهنی - مادی کودک تراویده باشند بسیار اندک خواهند بود، همانطور که بسیار معدودند فیلمسازان خلاق که در اوج توانائی هنری، باذهنی بارور از سالها تجربه و آموزش، ذاتاً و روحاً کودک مانده باشند.

۱ - مثل فیلم های: رفته به باغی، کودک و خزان، تجربه، سکه، زور بازو، سیلی... و خیلی فیلم های دیگر که بچه های اعضای کتابخانه های مختلف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته اند.



م انسانی و مطالعات فرهنگی
م باع علوم انسانی